



**گفت‌وگو با جوانی دهه هفتادی که امریکا و دکترای بیوپزشکی را رها کرد تا لباس طلبگی بپوشد**

## ترامپ اگر صادق است

## بگذار د ایرانی‌ها از نزدیک واقعیت امریکا را ببینند

مدرك دكترای بیوپزشکی را از دانشگاه ایالتی نیویورک در شهر بوفالو گرفته است اما شوق تبلیغ اسلام او را سال‌ها پس از مهاجرت، به حوزه‌های علمیه تهران کشاند تا رخت طلبگی به تنش رود. او را پیشتر با مداحی‌های انگلیسی‌اش می‌شناخستند و وقتی در کنار کنگره امریکا سرود «در هر کوی و هر بزم و هر انجمن / سرم خاک پای حسین و حسن» را خواند حسابی به دل مخاطبان فارسی زبان نشست. مهدی دردشتیان متولد ۱۷۰۰ است و به گفته خودش به پیش از

شما از نزدیک در امریکا هستید، بعد از شهادت سردار سلیمانی چه چیزی بیش از هر چیز در امریکا مشهود بود رعب و وحشت آنها از انتقام سخت ایران بود. به عنوان مثال مرزبانی امریکا پس از شهادت سردار سلیمانی که رهبر انقلاب مسئله انتقام سخت مطرح کردند، سختگیری‌های جدی‌ای را برای ورود ایرانی‌ها به امریکا اعمال کرد. هر چند مرزبانی ابتدا این سختگیری‌ها را تکذیب کرد اما بعداً اصل نامه و تصویر آن در خبرگزاری‌ها درز کرد. آنها در این نامه به نیروهای خط مقدم مرزبانی دستور داده بودند هر مرد یا زنی را که بعد از سال ۱۹۶۱ و قبل از سال ۲۰۰۹ به دنیا آمده و ملیت لبنانی یا ایرانی دارند یا دارای ارتباطاتی مثل محل تولد، سابقه سفر و شهروندی یا کشورهای جبهه مقاومت هستند یا هر کسی از هر ملیتی را که سفری به لبنان و ایران داشته است هنگام ورود به امریکا در مرحله اول به صورت کامل بازرسی و بازپرسی کنند و در مرحله دوم اسامی آنها را به تیم پاسخ‌دهی ttrt (tactical teroresim responding) (اطلاع دهند تا چک شود که آیا آنها سابقه عضویت در هیچ یک از گروه‌های مقاومت را نداشته‌اند یا خیر. نکته جالب اینجاست که در این نامه تذکر داده شده است اگر این افراد اعلام کردند ما شیعه نیستیم و بهایی هستیم، باور نکنید و عقبه آنها را چک کنید. از این موضوع ما ضلع و ترس امریکایی‌ها را می‌فهمیم. ما در آموزه‌های دینی‌مان داریم که یکی از جنود و نصرهای الهی رعب و خوف در دل بدخواهان امت اسلام است، چقدر در تاریخ داریم که خداوند ملتی را با این سنت نصرت داده است و آنها بدون درگیری در جنگی جدی پیروز شده‌اند. امروز دشمنان ایران و دشمنان اسلام و جمهوری اسلامی دچار این خوف و رعب شده‌اند. در حال حاضر قانونی در امریکا تصویب شده است که شما هنگام ورود به این کشور باید وسایل الکترونیکی خود را در اختیار مأمور مرزبانی قرار دهید.

**این دشمنی و رعب از سوی دولت امریکااست؛ شما ملت امریکا را هم دیده‌اید، نگاه آنها به ایران چطور است؟**
ملت امریکا چند دسته هستند. درصد غالبی از مردم چندان به سیاست و دنیای پیرامونی خود کاری ندارند؛ در طول هفته مشغول کار خود هستند تا بتوانند در پایان هفته مالیاتشان را بپردازند و به تفریحشان برسند. این دسته شاید اصلاً ایران را هم نشناسند و توانند روی نقشه نشان دهند ایران دقیقاً کجاست.

**این دسته چند درصد مردم امریکا هستند؟**

مشاهدات من نشان می‌دهد شاید ۸۰ تا ۸۵ درصد مردم امریکا منظور هستند. اغلب مردم امریکا

مشغول دنیای خودشان هستند و نسبت به دنیای پیرامونی خود تا زمانی که بر زندگی روزمره‌شان تأثیر نگذارد، بی‌تفاوتند. این نمونه را در بعضی از جوانان ایرانی هم دیده‌اید اما وقتی به صورت کلان می‌نگریم ما ایرانی‌ها نسبت به آنها خیلی ملت سیاسی‌تری هستیم و مردم‌مان در همه سطوح جامعه به نسبت صاحب‌اندیشه هستند و اخبار را دنبال و تحلیل می‌کنند. همچنین تجربه کرده‌ایم که مردم در انوبوس، تاکسی، فروشگاه و... آماده هستند کسی حرفی بزند تا جرعه بحث زده شود. این نشان می‌دهد مردم ما صاحب رأی و اندیشه هستند و من واقعاً وقتی این موارد را می‌بینم ولو آنکه طرف دارد مخالف عقیده من حرف می‌زند، خوشحال می‌شوم چون مقایسه می‌کنم با ملت امریکا که عمده‌شان نسبت به دنیای خود بی‌تفاوت هستند. از همین جهت به نظرم حتی افرادی که با استدلال می‌گویند ما در انتخابات شرکت نمی‌کنیم از کسانی که در امریکا از سرب‌ی تفاوتی به سیاست نظری ندارند، خیلی از نظر بیش سیاسی بالاتر و ارزشمندترند.

**سایر مردم امریکا چطور؟ آنها به ایران چگونه نگاه می‌کنند؟**

از این ۱۵ تا ۲۰ درصد ملت امریکا، قشری مدافع

عملکرد ترامپ هستند و آرمانی که برای امریکا دارند همین قاموس فکری ترامپ است. آنها فکر می‌کنند ترامپ با به شهادت رساندن سردار سلیمانی دنیای امن‌تری برایشان ساخته است یعنی فرانت رسمی امریکا را بی‌چون و چرا می‌پذیرند. گروهی دیگر که عمدتاً از اقلشار فرهیخته‌اند اما در جبهه مخالف ترامپ هستند این گروه مخالف سیاست‌های ترامپ در خاورمیانه‌اند و سؤالات جدی نسبت به رفتارهای ترامپ دارند. ما با این گروه گفتمان مشترک زیادی داریم و من اگر روزی خود را امریکایی بنامم با این اقسام هوطن‌ترم.

**مداحی‌هایتان هم در امریکا ناظر به همین قشر است؟**

مداحی من در امریکا بیشتر برای قشر مسلمان است و این مسلمانان هم چند دسته می‌شوند؛ دسته‌ای متولد امریکا هستند که پدر و مادر شان مسلمانند اما نمی‌توانند به زبان‌های بومی خود مثل فارسی، عربی یا اردو صحبت کنند. یک دسته دیگر پدران و مادرانی هستند که فارسی، عربی یا اردو زبان مادری اینهاست و مسلمان به دنیا آمده و مسلمان بزرگ شده‌اند. دسته دیگری هم هستند که مسلمان‌زاده نبوده‌اند اما مسلمان شده‌اند؛ در این دسته جمعیت خانم‌ها بیشتر است.



**چرا خانم‌ها بیشترند؟**

بر خلاف ادعاهای فمینیستی امریکا، ظلم‌های فراوانی از سوی جامعه امریکایی به زن‌ها می‌شود و این مشکلات و آزار و اذیت‌ها باعث می‌شود تعداد زنانی که به اسلام روی می‌آورند بیشتر باشد و ما با هر سه دسته از این مسلمان‌ها در امریکا روبه‌رو هستیم. البته قشری که بیشتر از فعالیت‌های مساجد و کانون‌های فرهنگی حمایت می‌کنند مهاجران اولیه هستند چون غالب اینها افراد متخصص و



متأسفانه باید بگویم ما هیچ شناخت درستی از غرب نداریم و شناساندن واقعی غرب ضرورت اولی ماست. دیدن غرب با زندگی کردن در غرب خیلی متفاوت است. به نظرم اگر ترامپ واقعاً در دوستی‌اش واقعی است سه، چهار ماه اجازه ورود و خروج بدون نیاز به ویزا بدهد تا مردم حقیقت زندگی غرب را بچشند

که رفت‌وآمد ما به آنجا نزدیک‌تر است. فضای غرب به گونه‌ای است که اگر کسی در آن زندگی نکرده و نفس نکشیده باشد، نمی‌تواند تیرش را به هدف بزند و چه بسا معکوس عمل کند. خیلی از اوقات می‌خواهیم زود طرف را مسلمان کنیم من اما فکر می‌کنم این لازم نیست. به ویژه در برابر مسیحیت و اهل کتاب. ما اگر بتوانیم اینها را در تغییر نظم فعلی جهانی و تنظیم آن به افق ظهور منجی عالم بشریت هم‌راستا سازیم وقتی رجعت واقع شود و حضرت مسیح در کنار امام زمان (عج) باشند دیگر آن افرادی که هم‌جهت شده‌اند، دین راستین را برمی‌گزینند. لذا نباید اصرار بر مسلمان شدن داشته باشیم. می‌توانیم از اشتراکات ادیان استفاده کنیم تا برای تغییر نظم فعلی جهانی و مقابله با ظلم متحد شویم؛ کاری که حضرت امام با ملت ایران کردند. امام می‌توانستند سال‌ها تبلیغ چهره به چهره را دنبال کنند اما نظم ساختاری ایران را تغییر دادند و مبدأ تغییر نظم جهان را بنا گذاشتند.

**با این فضا فکر می‌کنید چه اولویت‌هایی برای کار تبلیغی در جهان باید مورد توجه قرار گیرد؟**

یکی لزوم قوی شدن در رسانه است یعنی همانطور که رهبری معظم انقلاب فرمودند ایران باید قوی شود و یکی از ابعاد این قوی شدن هم رسانه است. شما این بسته شدن اکانت‌ها و پست‌های مربوط به حاج قاسم را در اینستاگرام ببینید. این به خاطر چیست؟



**می‌توانم بپرسم شما خودتان چرا به ایران بازگشتید و رشته اصلی‌تان را ادامه ندادید؟**

درباره رشته تخصصی‌ای که می‌خواندم در قیاس سا کار تبلیغاتی و فرهنگی احساس ضرورت نکردم چون جوانان با استعداد بسیاری هستند که آن رشته‌ها را با انگیزه دنبال می‌کنند و من نیاز دیدم به دغدغه‌های تبلیغی و کارهای فرهنگی بپردازم.

اما درباره بخش اول سؤالتان که پرسیدید چرا به ایران بازگشتم، حقیقت امر این است که من فکر می‌کنم آدم برای آنکه نه‌نشین نشود و فعالیتش مستمراً ادامه داشته باشد باید تن به زندگی‌ای هیبریدی دهد و این نوع از زندگی است که می‌تواند در امر تبلیغ در جوامع غربی مؤثر باشد. منظورم از زندگی هیبریدی این است که هم در ایران باشد و هم در فضای غربی حضور مستمر داشته باشد. به نظرم اگر در یکی از این جاها بمانم تا حرکت باز نخواهم ماند. یکی از ایده‌آل‌هایی که همیشه داشته‌ام این است که آدم‌های بومی‌تری نسبت به من در فضای علمی و دینی ایران تحصیل کنند و بعد بتوانند به دیار خود بازگردند و زندگی و فعالیت تبلیغی کنند، چون احساس می‌کنم پل ارتباطی جدی‌ای در تبلیغات وجود ندارد و کسانی که در حال تبلیغ هستند به دلیل آنکه سختی بومی با محل تبلیغ ندارند و حتی در زبان هم مشکل دارند و مثلاً فارسی فکر می‌کنند و سپس به انگلیسی ترجمه می‌کنند، متوجه مسائل روز محل تبلیغ و دغدغه‌های زندگی مردم بومی نمی‌شوند و در نتیجه نمی‌توانند نتیجه مطلوب بگیرند. مثلاً خیلی از مبلغان ما در امریکا دغدغه‌های جوان امریکایی را نمی‌شناسند؛ چراکه تا واقعاً در دبیرستان‌های امریکا درس نخوانده باشی، نمی‌توانی جوان دبیرستانی امریکا را درک کنی.

به این علت است که سیستم رسانه‌ای غرب تلاش دارد تا هیمنه امریکا به هیچ طریقی ولو در حد چهار عکس از یک سردار آسمانی، نشکند. یک مورد دیگر که من فکر می‌کنم خیلی برای تبلیغ واجب است شناخت صحیح از غرب است. متأسفانه باید بگویم ما هیچ شناخت درستی از غرب نداریم و شناساندن واقعی غرب ضرورت اولی ماست. دیدن غرب با زندگی کردن در غرب خیلی متفاوت است. به نظرم اگر ترامپ واقعاً در دوستی‌اش واقعی است سه، چهار ماه اجازه ورود و خروج بدون نیاز به ویزا بدهد تا مردم حقیقت زندگی غرب را بچشند. چندی پیش کسی که اکنون ساکن امریکاست به من زنگ زد و از شرایط آنجا گلایه داشت. می‌گفت من دوست دارم بچهام زودتر به مدرسه برود تا به ایران برگردم و از این زندگی خلی معمولی رها شوم. این را خود غربی‌ها هم اعتراف کرده‌اند که زندگی غربی خالی از معنویات است. ما دیات واقعاً



انسان را بعد از مدتی به خلأ می‌رساند. **اگر واقعاً زندگی غربی دارای خلااست پس این همه پیشرفت از کجاست؟**
نیاید دو بحث را قاطی کرد. اولاً اینکه ما فکر کنیم امریکا آرمان شهری است که هیچ مشکل اجتماعی ندارد نگاهی هالیوودی است که در نقد آن هم بسیار گفته شده است. من تقریباً به ۲۰ کشور از کشورهای مهم دنیا سفر کرده‌ام و آنها را از نزدیک دیده‌ام؛ آرمان‌شهری که ما فکر می‌کنیم در هیچ گوشه جهان وجود ندارد اما تفاوت‌هایی وجود دارد که من فکر می‌کنم پیشرفت نسبی آنها به این دلیل است.

**مثلاً چه ویژگی‌هایی؟**

یکی اینکه واقعاً از نظر کار کردن قابل مقایسه با مردم ما نیستند. مردم در آنجا واقعاً کار می‌کنند و در کارشان هم جدی هستند. چه کارهای سطح پایین و چه کارهای سطح بالا. این روحیه کار آندقر برجسته است که شاید اولین چیزی باشد که برای مهاجرانی که از ایران به امریکا می‌روند، جلوه می‌کند. طوری که در چند ماه اول آندقر سختشان است که روحیبت می‌شوند، بر گردند. در امریکا دوشنبه صبح تا جمعه آدم‌ها مثل روبات کار و آن دو روز را هم مثل غیر روسات تفریح می‌کنند تا برای هفته بعد آماده شوند!

یک نکته دیگر که در امریکا جلوه دارد و من فکر می‌کنم موجب پیشرفت آنها شده، نظم است. خیلی از دوستان من که واقعاً دلبسته انقلاب اسلامی و ایران هستند و دوست دارند که برگردند و به کشور خودشان خدمت کنند، مانع جدی‌شان برای بازگشت، بی‌نظمی است که همراه همه چیز ما حتی رانندگی هم هست. خیلی از دوستانم حتی آمده‌اند و یکی دو سال مانده‌اند اما نتوانسته‌اند در این بی‌نظمی خودشان را پیدا کنند و برگشته‌اند. خوب این بی‌نظمی هم می‌تواند خیلی در مسیر پیشرفت ما خلل ایجاد کند.

البته نمی‌خواهم بگویم هر چه پیشرفت دارند به این خاطر است نه خیلی از پیشرفت‌هایشان هم به خاطر ظلم‌هایی است که به کشورهای دیگر روا می‌دارند و غارت ظالمانه منابع دیگران است اما خوب جمع آن ظلم‌ها در کنار این ویژگی‌ها زندگی غربی را می‌سازد. ما اگر می‌خواهیم تصویر درستی از غرب داشته باشیم باید اینها را با هم ببینیم.



**خیلی از اوقات می‌خواهیم زود طرف را مسلمان کنیم من اما فکر می‌کنم این لازم نیست. به ویژه در برابر مسیحیت و اهل کتاب. ما اگر بتوانیم اینها را در تغییر نظم فعلی جهانی و تنظیم آن به افق ظهور منجی عالم بشریت هم‌راستا سازیم وقتی رجعت واقع شود و حضرت مسیح در کنار امام زمان (عج) باشند دیگر آن افرادی که هم‌جهت شده‌اند، دین راستین را برمی‌گزینند**

به این علت است که سیستم رسانه‌ای غرب تلاش دارد تا هیمنه امریکا به هیچ طریقی ولو در حد چهار عکس از یک سردار آسمانی، نشکند.

یک مورد دیگر که من فکر می‌کنم خیلی برای تبلیغ واجب است شناخت صحیح از غرب است. متأسفانه باید بگویم ما هیچ شناخت درستی از غرب نداریم و شناساندن واقعی غرب ضرورت اولی ماست. دیدن غرب با زندگی کردن در غرب خیلی متفاوت است. به نظرم اگر ترامپ واقعاً در دوستی‌اش واقعی است سه، چهار ماه اجازه ورود و خروج بدون نیاز به ویزا بدهد تا مردم حقیقت زندگی غرب را بچشند. چندی پیش کسی که اکنون ساکن امریکاست به من زنگ زد و از شرایط آنجا گلایه داشت. می‌گفت من دوست دارم بچهام زودتر به مدرسه برود تا به ایران برگردم و از این زندگی خلی معمولی رها شوم. این را خود غربی‌ها هم اعتراف کرده‌اند که زندگی غربی خالی از معنویات است. ما دیات واقعاً